

نخستین شهرک فرهنگیان و خوابگاه کشور اینجاست

موضوع:

مهاجران نطنزی
تا دانشجویان
شهرستانی و
کارمندان
دانشگاه

ویژگی:

تبدیل اردوگاه
نظامی به خانه‌های
سازمانی

تاریخچه امیرآباد را باید به قبل و بعد از جنگ جهانی دوم و ورود نیروهای متفقین به این محله تقسیم کرد. با ورود نیروهای متفقین به تهران، ردپای نظامی‌ها در این محله پررنگ شد و با خروج نیروهای نظامی، زمین‌های بلاتکلیف را به مردم واگذار کردند و بدین ترتیب، زندگی به امیرآباد بازگشت. به گفته نصرالله حدادی، تهران پژوه، سال ۱۳۲۴ علی‌اکبر سیاسی که مدیریّت دانشگاه تهران را بر عهده داشت با نامه‌ای از دولت درخواست کرد تا سکونتگاه آمریکایی‌ها در نزدیکی دانشگاه به خوابگاه تبدیل شود. خوشبختانه این پیشنهاد پذیرفته شد و با توسعه اردوگاه آمریکایی‌ها و تبدیل اتاق سربازها به اتاق‌های استاندارد، نخستین خوابگاه دانشجویی کشور افتتاح شد. گویا برای ساخت این خانه‌ها خیران تهران نیز پیشقدم شده و مشارکت کردند و ۳۰۰ دانشجو در نخستین روزهای افتتاح خوابگاه آنجا ساکن شدند.

بعدها این محدوده که در شمال دانشگاه تهران واقع شده است به کوی دانشگاه شهرت یافت. سال ۱۳۲۷ عباس اقبال آشتیانی، مورخ و ادیب مشهور طی نامه‌ای از وزیر وقت فرهنگ درخواست کرد تا تندیسی از امیرکبیر در کوی دانشگاه ساخته و نصب شود. هدف او این بود که دانشجویانی که در امیرآباد درس می‌خواندند و روزگار دانشجویی را می‌گذراندند به یاد داشته باشند اینجا روزگاری متعلق به امیرکبیر بوده است؛ هرچند پیشنهاد آشتیانی مورد توجه قرار نگرفت، ولی نام امیرآباد و زمین‌هایش با امیرکبیر و عاشقان علم و دانش پیوند خورده است.

رضامظاهری، از ساکنان قدیمی محله، درباره بخش دیگر محله می‌گوید: «بعد از ساخت خوابگاه دانشجویی، شرق محله همچنان تحت تملک دولت مانده بود که از طرف وزارت دارایی تفکیک شد. این زمین‌ها در اختیار خرده‌مالک‌ها بود که در همان سال‌ها بخشی از آن را به مهاجرانی از نطنز فروختند؛ بنا بر این، نطنزی‌ها را می‌توان جزو نخستین اقوامی دانست که در محله امیرآباد ساکن شدند. تعدادی دیگر از بساخرمان‌های آمریکایی‌ها هم به محل زندگی کارمندان دانشگاه اختصاص پیدا کرد. این برای نخستین بار بود که تعدادی خانه سازمانی به فرهنگیان واگذار می‌شد و می‌توان گفت نخستین شهرک فرهنگی نشین یا به عبارتی مجتمع مسکونی فرهنگیان تهران در امیرآباد ایجاد شد.»

قصه‌های یادگار امیرکبیر

محله امیرآباد با همان جلایله قدیم، محله‌ای است در همسایگی تپه‌های گیشا و نامش را اومدار صدراعظم نامدار، یعنی امیرکبیر است. ۲ محله‌ای که روایت‌های خواندنی از روزهای شکل‌گیری و سکونت در آن نقل می‌شود. امیرآباد و گیشا که به محله کوی نصر نیز شهره است به واسطه پلی به یکدیگر متصل می‌شدند و خاطرات بی‌شماری را برای اهالی رقم زده‌اند. در این شماره ویژه‌نامه همشهری محله سراغ تار و پود این دو محله رفته‌ایم و داستان حضور آمریکایی‌ها را در امیرآباد مرور کرده‌ایم. روایتی از شیطنت‌پچه‌ها در قبرستان آمریکایی‌ها را می‌خوانیم. ماجرای ساخت نخستین خوابگاه دانشجویی کشور در امیرآباد و روزگار خوش تپه‌های گیشا با جوانانی را که عشق موتور بودند مرور کرده‌ایم. یاد از همشینی اهالی با شاعران معاصر کرده‌ایم و از مسجدی سخن گفته‌ایم که رئیس‌جمهور شهید ۲۰ سال امام جماعت آنجا بود. در این شماره گفت‌وگو‌هایی با داریوش شهبازی، نصرالله حدادی و علیرضا زمانی، تهران پژوه داشته‌ایم و خاطراتی از فاطمه راکی (شاعر معاصر)، محمدجواد اینانلو (مدیر موزه فرش امیرآباد)، حسین روشندل، قربان مشهوری، شعبانعلی بیدکی، رضامظاهری و علی ابراهیمی، معتمدان محله‌های گیشا و امیرآباد را با هم می‌خوانیم.



شعبانعلی بیدکی



قربان مشهوری



حسین روشندل



علیرضا زمانی



نصرالله حدادی



داریوش شهبازی



علی ابراهیمی

اینجا پنبه رنگی برداشت می‌شد



موضوع:

کشت و کار
خاص امیرکبیر
در محله

ویژگی:

حفر قنات
در زمین‌ها و
تپه‌ها و اوجاد
مزارع کشاورزی

محله امیرآباد امروزی نام خود را مدیون روزگاری است که امیرکبیر در این زمین‌ها برای خودش خانه و کاشانه‌ای ساخت. میرزا تقی‌خان امیرکبیر یکی از نخستین

مالکان زمین‌های این محدوده بود. اعتمادالسلطنه در شرح خاطرات خود از محله امیرآباد می‌نویسد: «امیر در این قریه علاوه بر احیای اراضی و ایجاد قنات‌های متعدد، باغ و عمارتی معتبر نیز احداث کرد و به واسطه آب‌وهوای مطبوع‌تر آن نسبت به تهران، اغلب برای استراحت به آنجا می‌رفت.» آن روزگار امیرکبیر در محدوده بالایی محله جلایله، برای خودش باغی ساخت و قنات‌هایی حفر کرد که باعث آبادی و آبادانی این محدوده شد.

داریوش شهبازی، تهران‌شناس درباره هویت تاریخی این محله می‌گوید: «تمام زمین‌های اطراف تهران قبل از شکل‌گیری حصار ناصری تپه ماهور و لم‌یزرع بود، یعنی باغ و جنگل وجود نداشت و غیر از اراضی قلعه، زرگنده و تجریش تا چشم کار می‌کرد زمین خالی بود؛ بنابراین، اگر کسانی محدوده‌ای را برای سکونت یا ایجاد ییلاق انتخاب

می‌کردند، در نخستین مرحله مجبور بودند قنات حفر کنند؛ چون آبادانی در گرو کاشت درخت و بذر بود. امیرکبیر هم همین کار را در محله امیرآباد انجام داد و قنات حفر کرد. البته عمارتی هم ساخت که چون بنای فاخری نداشت، ماندگار نشد.» تا پیش از جنگ جهانی دوم در اراضی امیرآباد گندم، جو و کنگر کاشته می‌شد و بخشی از آن توت‌استان بود. آسیابایی هم در جنوب امیرآباد و در نزدیکی آسیاب قهوه‌خانه‌ای قرار داشت که استراحتگاه مسافران فرحزاد بود. قنات امیرآباد دارای ۴ سنگ بوده است که از یک فرسخی شهر تهران از شمال غربی وارد می‌شدند. در روزنامه وقایع اتفاقیه آمده است که در سال ۱۲۳۰ امیرکبیر ۲ نمونه از پنبه آمریکایی را برای آزمایش در اراضی این قریه کشت کرد: «در باب پنبه رنگی دنیا که در اول بهار حسب‌الامر اولیای دولت قاهره به امرا

و اعیان و صاحبان املاک داده شد که بکارند و به عمل بیاورند... چون تخم پنبه ۲ جور بود؛ یکی سبز و یکی سفید و هر یک را علیحده کاشته است. حالا که به عمل آمده هر یک بته او قریب ۵،۴ سیبیه جوزق [گل‌وله‌ای به اندازه سیب درختی که پیش از رسیدن پنبه بر بته دیده می‌شود.] بسته است و تا چند روز دیگر پنبه نمایان خواهد شد. آن تخم که سبز بوده بارورتر از تخم سفید است.»

ابراهیمی از ساکنان قدیمی محله امیرآباد درباره این محله و سرسبزی آن می‌گوید: «آب و هوای این محله بسیار خوش و دلپذیر بود؛ از این رو، پای ناصرالدین‌شاه هم به امیرآباد باز شد و او نیز این پهنه را می‌پسندید. از گزارش‌های درباری و سفرنامه‌های شاه پیداست که او ساعت‌های بسیاری را در امیرآباد گذرانده است و در سفر به دیگر روستاهای تهران از یاد نمی‌برد که سر راه به امیرآباد سرکشی کند.»

راز هجوم متفقین به امیرآباد

در جریان جنگ جهانی دوم نیروهای متفقین وارد تهران و در محله‌های مختلف مستقر شدند؛ انگلیسی‌ها به قلعه رفتند، روس‌ها در دره اطراف قلعه که بعد از آبادانی به دره روس و بعدها به دروس معروف شد، اسکان یافتند و نظامیان آمریکایی در امیرآباد اتراق کردند.

اینکه چرا آمریکایی، امیرآباد را برای استقرار و ایجاد کمپ نظامی انتخاب کردند، حکایت جالبی دارد. نصرالله حدادی، تهران پژوه در این باره می‌گوید: «نیروهای آمریکایی بعد از شهریور ۱۳۲۰ وارد تهران شدند و به چند دلیل مهم امیرآباد را برای ایجاد کمپ نظامی انتخاب کردند. امیرآباد در آن سال‌ها منطقه‌ای پر آب بود و دسترسی آسانی به مرکز شهر داشت. دلیل سوم و البته مهم‌تر این بود که دسترسی راحتی به راه‌آهن ایران پیدا می‌کردند که با طی کردن خیابان‌های امیرآباد و شاپور



موضوع:

وقایع جنگ
جهانی دوم

ویژگی:

استقرار
سربازان آمریکایی
در محله



قدیم میسر می‌شد. راه‌آهن ایران در آن سال‌ها به دلیل محدودیت‌ها، به سختی و با کندی بارهای سنگین را حمل می‌کرد، اما آمریکایی‌ها بعد از اسکان در امیرآباد، با ایجاد تغییراتی در آن کاری کردند که ادوات نظامی سنگین را آسان‌تر جابه‌جا کنند.»